



بررسی مهریه های غیرمتعارف در فقه امامیه و حقوق ایران

پدیدآورنده (ها) : محمّدی، فاطمه؛ کریمی نیا، محمد مهدی

فقه و اصول :: نشریه فقه و حقوق معاصر :: زمستان ۱۴۰۱، سال هشتم - شماره ۲۲

صفحات : از ۲۰۵ تا ۲۲۶

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2098365>

تاریخ دائلود : ۱۴۰۴/۰۹/۰۹

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- بررسی نسب فرزند و آثار حقوقی آن در باروری با تخمک اهدایی در فقه امامیه و حقوق ایران با نگاهی به آیات قرآن
- بررسی تاریخچه اصل حاکمیت اراده و تفاوت ها و شباهت های حقوق مالی زوجین در حقوق ایران، فقه و حقوق انگلیس
- بررسی تطبیقی نقش مولفه های جغرافیایی در ارتکاب جرایم اقتصادی از منظر حقوق ایران و فقه امامیه و اسناد بین المللی
- بررسی جامع تعهد ابتدایی در حقوق ایران و فقه امامیه با تاکید بر مبانی نظری و چالش های عملی
- بررسی شرط عدالت در قاضی و شاخصه های عدالت قضایی در فقه و حقوق ایران
- بررسی تطبیقی انواع مهریه در فقه امامیه و حقوق ایران
- بررسی حق سرقفلی در فقه و حقوق ایران بررسی ماهیت و نقش تضمین های پرداخت در اعاده اعتبار قانونی در ورشکستگی
- جایگاه حقوقی مدیران شرکت های سهامی در فقه، حقوق ایران و انگلستان
- بررسی اختیارات ولی قهری و وصی در فقه و حقوق ایران با نگاهی به آرای امام خمینی (س)
- بررسی مفاهیم «شرط ایمان در شهادت» در فقه امامیه و حقوق ایران

فصلنامه علمی تخصصی فقه و حقوق معاصر

سال هشتم، شماره ۲۲، زمستان ۱۴۰۱، ص ۲۰۵-۲۲۶

بررسی مهریه های غیرمتعارف در فقه امامیه و حقوق ایران

فاطمه محمدی^۱

محمد مهدی کریمی نیا^۲

چکیده:

در مکتب حیات بخش اسلام ازدواج امر مقدسی بوده که یکی از شرایط آن تعیین مهریه توسط زن و شوهر می باشد. در نظام حقوقی اسلام مهریه یا صداق، مالی است که زن بر اثر ازدواج، مالک آن می گردد و مرد ملزم به پرداخت آن به زن می باشد. با توجه به آیات قرآن و روایات روشن می شود که فلسفه تعیین مهر از نگاه اسلام، تنها جنبه مادی و اقتصادی ندارد، بلکه بسیاری از ابعاد معنوی و تربیتی لطیف که حاکی از پیوند محبت و عشق و بقا و تکامل بوده، نیز منظور شده است. شاید به همین دلیل باشد که از مهریه به عنوان هدیه تعبیر شده است؛ به این صورت که عاشق، مهریه را به محبوب خودش به عنوان اظهار محبت و نشان دادن علاقه که یک امری فطری و طبیعی است، پرداخت می کند. در این نگاه، تعیین مهریه برای دختران یا زنان یک نوع بزرگداشت و تکریم از مقام زن است که بیشتر جنبه معنوی داشته که باعث استحکام بنیان خانواده شده و مانع از پاشیدگی آن می شود؛ برخلاف مهریه

۱. طلبه سطح چهار رشته فقه خانواده، مؤسسه آموزشی رفیع المصطفی (ص)، تهران، پژوهشگر، مدرّس حوزه علمیه، فعال فرهنگی و نویسنده مسؤول،
mohammadifatemehe63@yahoo.com

۲. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم، دارای مدرک سطح چهار (دکتری) رشته فقه و اصول، و مدرک دکتری رشته قرآن و علوم، گرایش قرآن و حقوق از دانشگاه المصطفی (ص)، kariminia@quran.ac.ir

سنگین و غیرمتعارف که بیشتر رویکرد مادی گرایانه دارد؛ این نوع مهریه ها نمی تواند پشتوانه ای اطمینان بخش از جهت اقتصادی یا استحکام روابط زناشویی باشد، بلکه باعث تزلزل این نهاد مقدس شده و پیامدهای تلخ اجتماعی از لحاظ فقهی و حقوقی دارد. در منابع فقهی و حقوقی میزان مهریه معین و مشخص نشده است، ولی در کم بودن میزان مهریه توصیه شده است.

کلیدواژه ها: مهریه، مهریه غیرمتعارف، اقسام مهریه، صداق، فقه امامیه، حقوق ایران.



مقدمه

یکی از سنن بسیار کهن در روابط خانوادگی این بوده است که مرد هنگام ازدواج، به زن «مهریه» پرداخت کند. براساس پژوهش های صورت گرفته فهمیده می شود که سنت مهریه با نام های مختلف و ویژگی هایی متنوع در بسیاری از حوزه های فرهنگی و آئین های مذهبی رواج داشته است. به عنوان نمونه، در تمدن بابل، مرد در جریان زناشویی ملزم به پرداخت هدیه ای به پدر دختر بود. در تمدن آشور مهر به عنوان قیمت و بهای زن، رواج داشته است. (دورانت، ۱۳۳۷ش، ج ۱، ص ۲۸۹). در مواردی از مجموع قوانین حمورابی نیز، مهر به عنوان یکی از حقوق اختصاصی زن ذکر شده است. (بارنز و دیگران، ۱۳۹۰ش، ج ۱، ص ۱۲۱). در دین یهود نیز به روایت دو کتاب تورات و تلمود (شرح تورات) سنت مهر رواج داشته است. (کتاب مقدس، سفر پیدایش، باب ۲۹، آیات ۱۶-۳۱ و نیز آیات ۴۸ - ۵۴؛ کوهن، گنجینه ای از تملود، ۱۳۸۲ش، ص ۱۸۶). اکثر ادیان گذشته از جمله زرتشت و یهود، مهریه را به گونه ای در قوانین خود جای داده اند، رد پای این قانون در میان ساکنان یونان و ایران باستان و عربستان قبل از اسلام نیز دیده می شود. در اکثر موارد، پرداخت مهریه از طرف مرد یا خانواده وی جهت عمل زایمان و مسائل مربوط به روابط زناشویی بوده و در صورتی که زنی توانایی باروری نداشته، مرد می توانست آنچه را به عنوان مهریه به زن یا پدر وی پرداخت کرده، پس بگیرد! در نهایت اسلام نیز با اعمال اصلاحاتی، یعنی تعلق مهریه به شخص زن به جای پدر وی، رسم مهریه را امضا کرده است.

اسلام در زمان خود، انقلابی در ابعاد مختلف قانون حاکم بر جامعه عربستان ایجاد کرد. در عربستان قبل از اسلام، زن وضع مخصوصی داشت و نه تنها شخصیت و حقوقی برای زن قائل نبودند، بلکه اصولاً با وجودش هم مخالفت داشتند، به طوری که اعراب، داشتن دختر را ننگ و عار تلقی می کردند! با ظهور اسلام، وضعیت زن، همچون سایر امور اجتماعی کاملاً تغییر یافت و قرآن کریم هر رسمی را که موجب تضییع مهریه زنان است، منسوخ و تعداد بی شمار همسران را به چهار نفر در نکاح دائم،

محدود کرد. بنابراین آنچه از مطالعه تاریخی حقوق زن در ادوار گذشته معلوم می شود، این است که مهریه از ابداعات حقوق اسلام نیست و قبل از اسلام نیز وجود داشته است.

قدیمی ترین قانونی که تاکنون شناخته شده، قانون حمورابی (حامورابی) می باشد که در حدود ۱۷۰۰ سال قبل از میلاد مسیح (ع) تدوین شده است. قانون حمورابی شامل ۲۸۲ ماده می باشد که ۱۵۰ ماده آن به زبانها زنده ترجمه شده است. طبق مواد ۱۳۸ و ۱۳۹ قانون مزبور اگر زن عقیم بوده و طلاق داده شود، شوهر مکلف است که مهر و جهیزیه وی را تسلیم کند و در صورتی که زن مهر و جهیزیه نداشته باشد، پرداخت مقدار یک من نقره به او ضروری است. هرگاه زن مرتکب ترک خانواده یا اعمالی از قبیل آن شود، به لحاظ جرم ارتكابی، شوهر از تأدیه مهریه و جهیزیه معاف بوده است.

امروزه مهریه در زمره حقوق خاصه زوجه به شمار می آید و نقش بسزایی در روابط زوجین ایفا می نماید و تعیین میزان زیاد مهریه، بدون توجه به اوضاع و احوال و توانایی زوج، مایه بسیاری از مشکلات اجتماعی و خانوادگی شده است. از این رو در این تحقیق سعی شده است که مهریه غیرمتعارف در فقه امامیه و حقوق ایران مورد بررسی قرار گیرد

(۱) مفهوم شناسی

برای لفظ مهریه در لغت و اصطلاح، فقه، و حقوق، معانی مختلفی بیان شده که به اهم این تعاریف اشاره می شود.

(۱-۱) مهریه در لغت

در لغت تعاریف متعددی برای مهریه بیان شده است که در این قسمت به مهمترین تعاریف به صورت موجز اشاره می شود.

واژه «مهر» به فتح میم در لغت، به معنای کابین یا دست پیمان آمده است و آن مالی است که زن بر اثر ازدواج مالک می گردد. مهریه، مهر، کابین آن چیزی است که داماد عروس را برای نکاح، دست پیمان، یا شیربها می دهد. (دهخدا، ۱۳۷۳ ش.، واژه مهر؛ صفایی، ۱۳۹۶ ش.، ج ۲، ص ۱۴۸). برخی گفته

اند که مهریه یا به شکل کهن تر آن، کابین به مالی گفته می شود که مرد در هنگام وقوع عقد نکاح به همسر خود می پردازد یا مکلف به پرداخت آن می شود.^۱

برخی از اهل لغت، مهر را به این صورت تعریف کرده است: مهر به فتح میم در لغت به معنای صداق است و از آن جهت به مهر، صداق می گویند که دلالت بر رغبت صادقانه زن دارد. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق.، ص ۱۸۴).

در سخنان برخی از محققین آمده است که مهر بر وزن «شهر»، مال (و یا چیزی که قائم مقام مال) معینی است که بر سبیل متعارف، زوجه به زوج در عقد نکاح می دهد و یا به نفع زوجه بر ذمه و عهده خود می گیرد. معادل این کلمه در فرهنگ زبان انگلیسی، کلماتی همچون Dowry یا Nuptial gift به کار می رود.^۲

البته که در کتاب های فقهی افزون بر واژه مهریه، واژگان دیگری همانند: الصداق، الصداق، نحله، فریضه، کابین و غیره به کار رفته است، ولی مهریه، رایج ترین واژه ای است که در روایات و اصطلاحات فقها و میان مردم کاربرد دارد.

برخی از محققین بیان داشته اند که اصل این لغت، سامی و مشتق از کلمه «موهار» به معنای قیمت و بهای زن است. این کلمه از زبان عبری به عربی منتقل شده و به کلمه «مهر» تغییر یافته است. کلماتی مانند صداق، صدقه، نافجه، کابین، دست پیمان نیز به معنای «مهر» آمده است. (مصطفوی، ۱۳۸۸ش.، ذیل مفهوم اجر و صداق).

می توان گفت که واژه مهر و مرادف های آن در ظاهر شامل مطلق دریافتی زن از شوهر در جریان نکاح اعم از مادی و معنوی می شود. به همین دلیل در روایات از نماز مؤمن صالح به عنوان مهریه حوریان بهشتی یاد شده و شاعر عرب، شکافتن فرق حضرت علی علیه السلام را به عنوان بخشی از مهر اعطایی عبدالرحمن بن ملجم به قطام ذکر کرده است! (مجلسی، ۱۳۹۶ش.، ج ۴۲، باب ۱۳۷).

۱. سایت دانشنامه آزاد، ویکی پدیا، ۱۳۹۹/۰۳/۱۲، <https://fa.wikipedia.org>
۲. سازمان تبلیغات اسلامی، سایت تبیان، ۱۳۹۹/۰۳/۱۵، <https://article.tebyan.net>

۱-۲) مهریه در اصطلاح فقه و حقوق

۱-۲-۱) مهریه در اصطلاح فقه

واژه مهریه در اصطلاح فقه عبارت از چیزی است (مال معین یا چیزی که جایگزین مال باشد) که در زمان عقد نکاح از طرف مرد به زن داده می شود یا مرد، متعهد به پرداخت آن می شود. در شرع اسلامی آمده است که مهریه، هدیه ای است که داماد باید هنگام عقد ازدواج پرداخت آن را به عروس متعهد گردد. این عمل بخشی از قرارداد ازدواج مسلمانان است و تحت هیچ شرایطی برگردانده نمی شود.^۱

۱-۲-۲) مهریه در اصطلاح حقوق

برخی از حقوق دانان مثل دکتر محقق داماد معتقد است مهر کلمه ای است عربی و در فارسی آن را کابین گویند و مترادف آن در لغت عربی عبارت از صداق، نحله، فریضه و اجر است. در قرآن مجید واژه مهر به کار نرفته، بلکه از لغات معادل آن استفاده شده است. (محقق داماد، ۱۳۹۷ ش، ج ۴، ص ۱۲۰). بنابراین می توان گفت که مهر یا مهریه عبارت از مالی است که به مناسبت عقد نکاح مرد ملزم به دادن آن به زن می باشد. برخی نیز چنین بیان می دارند که: مهر مقدار مالی است که مرد به هنگام ازدواج به زن می دهد.

در قانون مدنی ایران تعریفی از مهر ارائه نشده، ولی ماده ۱۰۷۸ قانون مدنی در مورد مهر چنین می گوید: «هر چیزی را که مالکیت داشته باشد و قابل تملک نیز باشد می توان مهر قرار داد». و ماده ۱۰۸۰ قانون مدنی مقرر می دارد: «تعیین مهر منوط به تراضی طرفین است». و طبق ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی «به مجرد اینکه زن مالک مهر می شود و می تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید».

۱. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پرتال جامع علوم اسلامی، <http://ensani.ir>، ۱۳۹۹/۰۳/۱۲

علامه حلی مهر را چنین تعریف می کند: مهر چیزی است که زن و شوهر بر آن توافق می کنند؛ خواه میزانش اندک باشد، یا بسیار. (حلی، ۱۹۸۲ م، ص ۵۴۶).

دکتر کاتوزیان معتقد است مهر عبارتست از مالی که به مناسبت عقد نکاح، مرد ملزم به دادن آن به زن می شود. الزام مربوط به تملیک مهر، ناشی از حکم قانون است و ریشه قراردادی ندارد و به همین دلیل سکوت دو طرف در عقد و حتی توافق بر اینکه زن مستحق مهر نباشد، نمی تواند تکلیف مرد را در این زمینه از بین ببرد. (کاتوزیان، ۱۳۷۶ ش، ج ۲، ص ۱۲۵)

بنابراین با توجه به تعاریف ذکر شده و مواد قانونی می توان مهر را این گونه تعریف کرد: «مهر عبارت از مقدار مالی است که با توافق زوجین مشخص می شود و به محض وقوع عقد به ملکیت زن درمی آید و مرد به صورت نقد یا تعهد به ذمه، ملزم به پرداخت آن می شود. البته باید توجه داشت که اگر مهر، عین معین باشد، از لحظه عقد به ملکیت زن درمی آید، ولی اگر مهر کلی باشد، مالکیت زن مستقر نمی شود، مگر اینکه شوهر مصداق را مشخص نماید و به عنوان مثال بگوید: این خانه مهر همسرش می باشد. در این صورت مالکیت زن از زمان تعیین مصداق استقرار می یابد».^۱

در نتیجه از تعاریف لغوی، فقهی و حقوقی بدست می آید که مهر یا مهریه در لغت مترادف با صداق، کابین، صداقیه و فرض می باشد و در اصطلاح عبارت از مالی است که به مناسبت نکاح، مرد ملزم به دادن آن به زن می شود.

۲) فلسفه مهریه و اقسام آن

۲-۱) فلسفه مهریه

فلسفه تعیین مهر از نگاه اسلام، تنها جنبه مادی و اقتصادی ندارد، بلکه بسیاری از ابعاد معنوی و تربیتی لطیف که حاکی از پیوند محبت، عشق، بقا و تکامل بوده نیز منظور شده است.

۱. سایت صدای وکیل، ۱۳۹۹/۰۳/۱۷، <https://sedayevakil.com>

استاد مرتضی مطهری در این باره می گوید: «به عقیده ما پدید آمدن مهر، نتیجه تدبیر ماهرانه ای است که در متن خلقت برای تعدیل روابط زن و مرد و پیوند آنان به کار رفته است. مهر از آنجا پیدا شده که در متن آفرینش نقش هر یک از زن و مرد در مسأله عشق متفاوت از دیگری است. آفرینش مرد را مظهر عشق و زن را مظهر معشوق بودن قرار داده است». (مطهری، ۱۳۹۹ ش، ص ۲۴۰-۲۴۳).

زن در برابر نیروی غریزه خود کنترلی بیشتر دارد، این خصومیت همواره به زن فرصت داده است که به دنبال مرد نرود و زود تسلیم نشود، اما در مقابل این نیروی فطری و غریزی، مرد را وادار کرده است که به زن اظهار نیاز کند و برای جلب رضای او دست به اقداماتی بزند که یکی از آنها این بوده که به احترام موافقت او هدیه ای به عنوان مهریه، به زن پرداخت نماید. این نوع نگاه به مهریه به زن شخصیت می دهد و ارزش معنوی مهر برای زن بیشتر از ارزش مادی آن قرار داده است. منشأ مهر، ضعف زن و کالا بودن وی نیست، بلکه منشأ مهر، عفت و حیا داشتن و گران بها بودن اوست. (همان).

در مقابل برخی مهر را قیمت و بهای زن می دانند، در حالی که اسلام آن را «نحله» یعنی عطای رایگان معرفی می کند. برخی متفکران فلسفه مهر را جبرانی برای کمی سهم الارث زن می دانند برخی دیگر آن را وثیقه ای در برابر حق طلاق مرد برمی شمارند و عده ای نیز آن را پاداش سپاس از زن می دانند. (همان).

برای این که هویت معنوی، نه اقتصادی مهر روشن گردد، لازم است برخی دستورات آسمانی که در باره تعیین صداق و تبیین کابین و مهر در احادیث آمده است، مورد دقت قرار گیرد. برای نمونه اولین کابینی که برای مبدأ نسل کنونی بشر یعنی نکاح آدم و حوا (ع) معین شد، آموزش احکام بود، چنان که بر اساس حدیثی که زُراه از امام صادق (ع) نقل می کند: خداوند به حضرت آدم فرمود: «رضای من آن است که معارف دین مرا به او بیاموزی؛ آدم گفت: قبول کردم»؛ همان گونه که گاهی پیامبر اکرم (ص) صداق برخی اصحاب را تعلیم سوره ای از قرآن قرار می دادند.

به هر حال فلسفه مهریه را در امور ذیل خلاصه می توان کرد:

۱. مهریه تجلی فطرت و طبیعت است: هدیه دادن به محبوب به عنوان اظهار محبت و نشان دادن علاقه، امری فطری و طبیعی است که معمولاً از سوی کسی که پیش قدم می شود و طالب و یا خواستگار است، ارایه می گردد. این امر حتی در میان بسیاری از موجودات رایج است. مثلاً به تازگی کشف شده که زاغچه نو پس از بازدید آشیانه های مورد نظر به اتفاق همسر آینده اش به او یک حشره هدیه می کند!
 ۲. مهریه قانون عشق و جذب است: مرد از نظر آفرینش مظهر طلب، عشق و تقاضا است و زن مظهر محبوبیت و معشوقیت می باشد. مهریه از جانب مرد یک اظهار عشق و محبت فوق العاده برای زن می باشد که حتی بالاتر از بخشش و هدیه های معمولی است.
 ۳. مهریه پاداش و نشانه حیا و عزت زن است. مهر با حیا، عفت و عزت زن یک ریشه دارد. زن از لحاظ آفرینش نسبت به شهوت ها مقاوم تر است. این ویژگی همواره به زن فرصت داده که دنبال مرد نرود و خود را رایگان در اختیار او قرار ندهد.
 ۴. مهریه باعث بقای خانواده و مانع از فروپاشی آن است. برخی مردان هوس باز، گاه بدون هیچ دلیلی همسر را ترک و زن دیگری را که جوان تر و با نشاط تر است، انتخاب می کند! مهریه مانع عمده ای در مقابل این هوسرانی ها است.
 ۵. مهر باعث تعادل اقتصادی است. هر چند زن دارای استقلال مالی و اقتصادی از نظر اسلام است، ولی به طور معمول در جوامع ابتکار عمل به دست مردان است. در صورت طلاق و جدایی، احتمال این که زن بدون پشتوانه اقتصادی بماند، بسیار زیاد است. وجود مهریه یک نوع احساس امنیت اقتصادی و پشتوانه برای زن می باشد. (رک: مطهری، ۱۳۹۹ش، ص ۲۰۱؛ جوادی آملی، ۱۳۷۹ش، ص ۲۴۰)
- نتیجه آن که: مهریه از نظر اسلام تنها جنبه مادی ندارد، بلکه افزون بر آن، حکمت های دیگری نیز در تعیین مهر نهفته است بنابراین، نه تنها به زنان به عنوان کالا نگاه نشده، بلکه ارزش و احترام زن به وسیله وضع و تأیید چنین قانونی محفوظ مانده است.

۲-۲) انواع مهریه

انواع مهریه طبق مواد قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران هر انسان اعم از زن و مرد از اهلیت تمتع برخوردار است. یعنی می تواند مالک مال شود و هر گونه تصرفی را در امور مالی خود بکند، مگر آن که دیوانه، سفیه و یا غیررشید باشد و از این جهت هیچ تفاوتی بین زن و مرد نیست. از جمله این حقوق مالی، مهریه است که عبارت از مالی است که مرد هنگام ازدواج با زن به او می دهد. مهریه بر حسب این که در زمان عقد تعیین شود، یا تعیین آن به بعد موکول شود، انواعی دارد.

۲-۲-۱) مهر المسمی

مهر المسمی؛ مالی معین است که به هنگام عقد ازدواج یا پس از آن با توافق طرفین یا نمایندگان آنها تعیین می شود. این مال ممکن است عین باشد، مانند خانه معین؛ یا منفعت، مانند اجاره بهای خانه معین، یا عمل باشد دارای ارزش عقلی و شرعی، مانند تعلیم فن، و یا حق مانند دین شخص ثالث. (صفایی، ۱۳۹۶ش، ج ۲، ص ۱۹۵)

۲-۲-۲) مهر المثل

اگر در حین عقد مهر تعیین نشود، یا عدم آن شرط گردد، یا مهرالمسمی باطل گردد و آمیزش هم واقع شده باشد، زن مستحق مهرالمثل خواهد شد؛ یعنی مهر مطابق زنان همتای او تعیین خواهد شد.

۲-۲-۳) مهر المُنْعَه

هرگاه در حین عقد، مهر تعیین نشده باشد و یا عدم آن شرط گردد و مرد بخواهد قبل از نزدیکی، همسر خود را طلاق بدهد، می بایست مبلغی را به عنوان مهر المُنْعَه به او بپردازد. در تعیین مهر المُنْعَه، وضع مالی و توان اقتصادی مرد را ملاک قرار می دهند، نه شأن زن.

بر اساس ماده ۱۰۹۴ قانون مدنی و فقه امامیه که برگرفته از آیه ۲۳۶ سوره بقره می باشد، میزان مهر المُنْعَه متناسب با وضعیت شوهر است؛ به این معنی که برای تعیین آن به فقر یا غنای شوهر توجه

می کنند. مهرالتمعه ویژه نکاح دائم است و به مواردی که در عقد دائم، مهر معین نشده و قبل از وقوع نزدیکی منجر به طلاق گردیده باشد، تعلق می گیرد و حال آن که اگر در نکاح منقطع در هنگام عقد، مهر تعیین نشود، عقد باطل است. (همان).

۴-۲-۴) مهر السنه

در قانون مدنی، ا س می از مهرال سنه به میان نیامده است، بلکه به مهرالم س می، مهرالمثل و مهرالتمعه بسنده گردیده است. در فقه، مهرالسنه به همان مهریه ای گفته می شود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای زنان شان تعیین فرمودند و مقدار آن ۵۰۰ درهم بوده است که معادل ۵۰ دینار طلا و هر دینار برابر یک مثقال شرعی طلا می باشد. مقدار مهرال سنه در زمان ما ۲۶۲/۵ مثقال نقره مسکوک است. (همان).

در اصطلاح فقها، به مقدار مهری که پیامبر اکرم (ص) برای هم سران و دختران خویش تعیین می کردند، مهرالسنه گفته می شود. مقدار مهرالسنه پانصد درهم است و شایسته است مهر زنان مسلمان نیز به همین مقدار باشد. (حر عاملی، ۱۳۹۸ق، ج ۲۱، ص ۲۲۸).

۴-۲-۵) مفوضه البضع

هر گاه برای زوجه در عقد نکاح صدق ذکر نشود، یا شرط عدم مهریه شود، آن را مفوضه البضع می گویند. مفوضه المهر نگاهی است که تعیین مهریه به یکی از زن و شوهر یا شخص ثالث واگذار شده است. این نکاح مشکل شرعی ندارد، زیرا در عقد دائم تعیین مهریه شرط صحت نمی باشد.

۳) بررسی مهریه غیر متعارف در فقه امامیه و حقوق ایران

مهریه از جمله حقوق قانونی زن است که مرد موظف است در صورت مطالبه همسر به وی پرداخت کند. اما گاهی دو طرف در خصوص نوع مهریه به توافقاتی می رسند که متعارف و معقول به نظر نمی رسد.

۳-۱) مهریه غیر معارف در فقه امامیه

در فقه امامیه نظرات مختلفی در خصوص مقدار مهریه وجود دارد. برخی از بزرگان شیعی همچون سید مرتضی، مهر را محدود به مهر السنه می دانند و استدلالشان هم این است که چون سنت حضرت رسول اکرم (ص) بر این بوده که مهریه زنان خود را ۵۰۰ درهم قرار دهد و با توجه به اینکه مهر هم تابع احکام شرع است، پس در صورتی که مهریه بیشتر از آنچه گفتیم تعیین شود، چون اجماعی وجود ندارد بر اینکه مازاد، جزء مهریه تلقی شود، و دلیل شرعی دیگری نیز در این خصوص موجود نیست، نفی مازاد بر ۵۰۰ درهم واجب می شود. (علم الهدی، ۱۳۷۳ ش، ص ۱۲۴).

به عبارت دیگر این قبیل از فقها مهریه مازاد بر ۵۰۰ درهم را نامتعارف قلمداد کرده و موجب بطلان مهر می دانند.

برخی دیگر از فقها که اکثریت از فقهای تشکیل می دهد، بر این عقیده هستند که برای مهریه، حداکثری وجود ندارد و توافق بر چنین مهریه هایی را صحیح می دانند.

فقهای اهل سنت معتقدند که نه تنها هیچ دلیلی نه در قرآن و نه در سنت بر محدودیت میزان مهر وجود ندارد، بلکه دلایلی وجود دارد که به زوجین اختیار می دهد، میزان مهریه را با ترا ضی به هر مقدار که مایلند تعیین کنند. (النووی، ۱۳۹۴ ش، ج ۲، ص ۲۰).

۳-۲) مهریه در حقوق ایران

قانونگذار در ماده ۱۰۸۰ قانون مدنی از نظر مشهور فقها تبعیت کرده و مقرر داشته است که تعیین مهر منوط به ترا ضی طرفین است. بنابراین مطابق این ماده، محدودیتی در تعیین مهر وجود ندارد و مهم ر ضایت طرفین است. بر همین اساس، در عمل، زوجین بر مهریه های سنگینی توافق می کنند که اکثر اوقات مرد قدرت بر تسلیم آن را ندارد. از آنجا که در عرف، زن زمانی خود را محق برای مطالبه مهریه می داند که اختلافی بین او و شوهرش رخ داده باشد، برای مرد فرقی نمی کند که در سند ازدواج، چه مبلغی را متعهد شده است؛ یعنی با توجه به اینکه هنگام انعقاد عقد نکاح، فقط میزان

مهریه نوشته می شود و عرفاً تا قبل از بروز اختلاف بین طرفین تا زمانی که زن و مرد زندگی خوبی با یکدیگر داشته باشند، زن از شوهر خود درخواست مهریه نکرده و اصولاً چنین امری را خلاف حسن معاشرت تلقی می کند و مرد نیز پرداخت مهریه به همسرش را در زمان صلح و زندگی مسالمت آمیز، لازم نمی بیند، لذا مرد هنگام انعقاد عقد نکاح، حا ضرر به پذیرش این تعهد می گردد؛ زیرا هنگام عقد نکاح، زن و مرد به فکر اختلاف نمی باشند و قصد دارند که با یکدیگر زندگی سرا سر آرامش و آسایش را آغاز کنند و از جنبه معاملاتی، به مهر نظر ندارند و ضرب المثل معروف: چه کسی مهریه را داده و چه کسی گرفته، آن چنان در خانواده های ایرانی پررنگ شده است که به باور و قبول مرد رسیده که قرار نیست مهریه ای داده و گرفته شود و لذا آنچه را که در سند نکاحیه درج می شود، می پذیرد، حال آن که واقعیت آن است که زن در وقت مقتضی، این تعهد را مطالبه می کند و آن گاه عدم امکان پرداخت از سوی مرد برایش دردسر ساز می گردد. (مؤمنی، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۶).

به طور خلاصه قانون مدنی ایران هیچ گونه ضابطه ای برای مهریه نامتعارف معرفی ننموده است و تنها ملاک صحت برای تعیین مهر را تراضی متعاقدین می دانند، ولی با توجه به شرایط صحت مهر برخی فقها و حقوقدانان ضابطه ای برای شناسایی مهر نامتعارف معرفی نموده اند. (همان).

۴) بررسی مهریه از منظر قرآن و روایات

۱) اسلام به عنوان دین جامع و جهان شمول، به منظور تبیین وظایف از سان در رابطه با خداوند و تنظیم روابط با هموعانش احکام متعددی را مقرر داشته است. احکام ناظر به روابط انسان با هموعان او، به صورت مجموعه ای از حقوق و تکالیف است؛ حقوقی که انسان در برابر دیگران از آن برخوردار است و تکالیفی یا وظایفی که خود در مقابل آنان بر عهده دارد. از جمله این مقررات، حقوق و وظایفی است که اعضاء یک خانواده، به ویژه زن و شوهر از آن برخوردارند. اسلام برای خانواده اهمیت ویژه ای قائل است و در قرآن و روایات برای سلامت خانواده و پایداری از تزلزل آن، دستورات فراوانی وجود دارد. مهریه در نظام حقوقی اسلام از جایگاه ممتازی برخوردار است و به

عنوان یکی از حقوق مالی زوجه در جریان ازدواج، تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته است. اقوال ائمه اطهار (ع) و بزرگان دین و نیز سیره عملی ایشان، همواره بر این امر تأکید داشته و سبک بودن میزان مهریه را به عنوان یک هدیه از طرف مرد مورد توجه صیه قرار داده‌اند. ولی در گذر زمان این نوع نگرش متحول شده و مهریه به‌طور بی‌رویه افزایش یافته و به یک معضل اجتماعی تبدیل شده است.

۱-۴) مهریه در قرآن

با توجه به کتاب فرهنگ موضوعی قرآن کریم، کلمه‌ی مهر عیناً در قرآن مجید به کار نرفته است، بلکه در قرآن از مهر به عنوان « صَدَقَات » آمده است. از نظر قرآن، ز شانه صداقت مرد در علاقه و دوستی به همسر است. در قرآن کریم موضوع مهریه و برخی احکام آن در چند آیه بیان شده است؛ همانند آن که در آیه‌ای پرداخت مهریه به زن را، حق او و امری الزامی می‌داند. قرآن کریم می‌فرماید:

«وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا، (نساء/۴)؛

ترجمه: و مهرهای زنان را با میل قلبی و به عنوان هدیه بدهید و اگر چیزی از آن را به رضای خاطر به شما ببخشند، آن را نوش و گوارا مصرف نمایید».

در آیه دیگر چنین آمده است:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أَجُورَهُنَّ...، (احزاب / ۵۰)؛

ترجمه: ای پیامبر، ما همسران تو را که مهریه آنها را پرداخت کرده ای برای تو حلال کردیم».

در سوره نساء چنین آمده است:

«فَأَنْكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ، (نساء/۲۵)؛

ترجمه: آنها را با اجازه صاحبان آنان تزویج نمایید، و مهرشان را به خودشان بدهید».

و در دیگر آیه آمده است:

«وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوا لِلَّذِي بِيَدِهِ عَقْدُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَلَا تَنْتَ سَوَاءَ الْفَرْضِ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (بقره/۲۳۷)؛

ترجمه: واگر زنان را قبل از آمیزش طلاق دهید، در حالی که برای آنها مهریه تعیین کرده‌اید، نصف آنچه را تعیین کرده‌اید (به آنها بدهید)، مگر اینکه آنها (حق خود را) ببخشند و یا کسی که عقد ازدواج به دست او ست آن را ببخشد، و اینکه شما گذشت کنید، (و تمام مهر آنان را پردازید) به پرهیزگاری نزدیکتر است. و گذشت و نیکوکاری در میان خود را فراموش نکنید که همانا خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست».

همچنین در آیه دیگر می‌خوانیم:

«وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَ تَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا» (نساء/۴)؛

ترجمه: و اگر تصمیم گرفتید که همسر دیگری به جای همسر خود انتخاب کنید، و مال فراوانی (به عنوان مهر) به او پرداخته‌اید، چیزی از آن را پس نگیرید! آیا برای بازپس گرفتن مهر آنان، به تهمت و گناه آشکار متوسل می‌شوید؟».

در این آیات در مورد میزان مهریه، سخنی از محدودیت نیست، ولی کلمه قنطار به معنای اندازه چهل اوقیه (واحدی در قدیم) طلا، هزار و صد دینار، ۱۲۰ رطل (واحدی برای وزن در قدیم) هزار و دویست اوقیه، هفتاد هزار درهم، هزار مثقال طلا یا نقره، هشتاد هزار درهم، مال زیاد و نامعلوم، یک مشک گاوی پر از طلا یا نقره. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق.، ج ۵، ص ۱۱۹).

البته در روایات زیادی مهریه (اگرچه باعث ابطال عقد نمی‌شود) نشانه شومی زن شمرده شده و به کم بودن مهریه سفارش شده است. (کلینی، ۱۳۹۷ق.، ج ۵، ص ۵۶۸).

در ذیل آیه ۴ سوره نساء مرحوم شیخ طوسی می‌فرماید:

ابوصالح گوید: این آیه خطاب به اولیاء است، زیرا وقتی که زنان را شوهر می دادند، مهر و کابین آنها را خود ت صرف می نمودند و به آنها نمی دادند! و این آیه به همین منظور نازل گردید؛ چنان که ابوالجارود هم آن را از امام محمدباقر (ع) روایت نموده است و در باره این قسمت از آیه «فَإِنْ طَبْنَ لَكُمْ» (نساء/۲۰)؛ اگر آنها چیزی از آن را با رضایت خاطر به شما ببخشند؛ عکرمه و ابراهیم و علقمه و قتاده و ابن عباس و ابن جریج و ابن زید گویند: مورد خطاب آیه، شوهران هستند، زیرا برخی از زنان اگر مهر و کابین را از شوهران می گرفتند و می خواستند. مقداری از آن را به شوهران خویش ببخشند، زشت و گناه می شمردند سپس این آیه نازل گردید و چنین بخششی را در مهر از طرف زنان مباح شمرد. (رک: محقق، ۱۳۸۴ش، ص ۱۸۱).

قرآن کریم می فرماید:

«وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طَبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا» (نساء/۴)؛

ترجمه: و مهر و کابین زنان را به صورت هدیه و با رغبت بدهید و اگر با میل و رغبت خویش چیزی از آن را به شما بخشیدند، آن را حلال و گوارا مصرف کنید.

قرآن کریم در این آیه با حمایت از بانوان، به لزوم پرداخت مهریه ی آنان اشاره می کند و می فرماید: و مهر زنان را «به طور کامل» به عنوان یک بدهی یا یک «عطیه» به آنها بپردازید، و اگر آنها با رضایت خاطر چیزی از آن را به شما ببخشند آن را حلال و گوارا مصرف کنید.

واژه «نحله» در لغت به معنی بدهی و دین آمده، و به معنی بخشش و عطیه نیز هست. راغب اصفهانی در کتاب مفردات می گوید: به عقیده من این کلمه از ریشه «نحل» به معنی زنبور عسل آمده است زیرا بخشش و عطیه شباهتی بکار زنبوران عسل در دادن عسل دارد.

واژه صَدُقَاتِهِنَّ جمع «صداق» به معنی مهریه است. آیه فوق به دنبال بحثی که در آیه گذشته در باره انتخاب همسر بود، اشاره به یکی از حقوق مسلم زنان می کند و تأکید می نماید که: «مهریه زنان را به طور کامل همانند یک بدهی بپردازید»؛ یعنی همان طور که در پرداخت سایر بدهی ها مراقب هستید که از آن چیزی کم نشود، در مورد پرداخت مهر نیز باید همان حال را داشته باشید. این در

صورتی است که «نحله» را به معنی بدهی بگیریم و اگر به معنی عطیه و بخشش باشد، تفسیر آیه چنین خواهد شد: مهریه را که یک عطیه الهی است و خدا به خاطر اینکه زن حقوق بیشتری در اجتماع داشته باشد و ضعف نسبی جسمی او از این راه جبران گردد، به طور کامل ادا کنید. قرآن کریم در ابتدای آیه به حفظ حقوق اشاره کرده و دستور می دهد که تمام مهریه به زنان پرداخت شود. در ذیل آیه می فرماید:

«فَإِنْ طَبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا»

ترجمه: و اگر با میل و رغبت خویش چیزی از آن را به شما بخشیدند، آن را حلال و گوارا مصرف کنید».

در این قسمت برای احترام گذاردن به احساسات طرفین و محکم شدن پیوندهای قلبی و جلب عواطف میگوید: «اگر زنان با رضایت کامل خواستند مقداری از مهر خود را ببخشند برای شما حلال و گوارا است» تا در محیط زندگی زنان شوی تنها قانون و مقررات خشک حکومت نکند، بلکه به موازات آن عاطفه و محبت نیز حکم فرما باشد.

چنانچه اگر بعضی برای مهریه تفسیر غلطی کرده اند و آن را یک نوع «بهای زن» پنداشته اند، ارتباط به قوانین اسلام ندارد، زیرا در اسلام مهر به هیچ وجه جنبه بها و قیمت کالا ندارد، و بهترین دلیل آن همان صیغه عقد ازدواج است که در آن رسماً «مرد» و «زن» به عنوان دو رکن اساسی پیمان ازدواج به حساب آمده اند، و مهر یک چیز اضافی و در حاشیه قرار گرفته است. به همین دلیل اگر در صیغه عقد دائم، اسمی از مهر نبرند، عقد باطل نیست، در حالی که اگر در خرید و فروش و معاملات اسمی از قیمت برده نشود، مسلماً باطل خواهد بود. البته باید توجه داشت اگر در عقد ازدواج نامی از مهر برده نشود، شوهر موظف است که در صورت آمیزش جنسی، «مهر المثل» یعنی مهری همانند زنانی که هم طراز او هستند بپردازد. در نتیجه می توان گفت که مهریه جنبه جبران خسارت و پشتمانه برای احترام به حقوق زن دارد، نه قیمت و بها و شاید تعبیر به «نحله» به معنی «عطیه» در آیه اشاره به این قسمت باشد. (مکارم، ۱۳۷۱ ش.، ج ۳، ص ۲۶۳-۲۶۶)

۴-۲) بررسی مهریه در روایات

پیامبر اکرم (ص) می فرماید:

«أَفْضَلُ نِسَاءِ أُمَّتِي أَصْبَحَهُنَّ وَجْهًا وَأَقْلَهُنَّ مَهْرًا» (بروجردی، ۱۳۹۵ش، ج ۲۵، ص ۲۵۴)؛

ترجمه: بهترین زنان امت من، خوب‌ترین و کم مهریه‌ترین آنان هستند».

یا در روایت دیگر از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است:

«خَيْرُ الصَّدَاقِ أَيْسَرُهُ» (علم الهدی، ۱۳۷۳ش، ص ۴۶۷)؛

ترجمه: بهترین مهریه، سبکترین آن است».

در مورد مهریه سنگین امام صادق (ع) می فرماید:

«أَمَّا شَوْمُ الْمَرْأَةِ فَكَثْرَةُ مَهْرِهَا وَعُقُوقُ زَوْجِهَا» (صدوق، ۱۳۹۶ش، ج ۱، ص ۱۵۲)؛

ترجمه: شومی و ناخجستگی زن، زیاد بودن مهریه او و نافرمانی از شوهرش می باشد».

حضرت علی (ع) می فرماید:

«لَا تَغَالُوا بِمَهْرٍ النِّسَاءِ فَتَكُونَ عَدَاوَةً» (حر عاملی، همان، ج ۱۵، ص ۱۱)؛

ترجمه: مهریه زن‌ها را سنگین نگیرید که موجب کدورت و دشمنی گردد».

در روایات به کم بودن مهریه توصیه و تأکید شده است؛ امام صادق (ع): می فرماید:

«إِنَّ مِنْ بَرَكَهِ الْمَرْأَةِ قَلَّةُ مَهْرِهَا» (صدوق، ۱۳۹۶ش، ج ۳، ص ۲۵۴)؛

از برکت و خجستگی زن، آن است که مهریه اش کم باشد».

در دین اسلام پرداختن مهریه زن واجب است. در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است:

«مَنْ أَمَّهَرَ مَهْرًا ثُمَّ لَا يَنْوِي قَضَاءَهُ كَانَ بِمَنْزِلَةِ السَّارِقِ» (کلینی، ۱۳۹۷ش، ج ۵، ص ۳۸۳)؛

ترجمه: کسی که مهریه‌ای (برای زن قرار دهد) و قصدش این باشد که به او ندهد او همانند دزد

است».

از امام رضا (ع) چنین نقل شده است:

«كَتَبَ إِلَيْهِ فِي مَا كَتَبَ مِنْ جَوَابٍ مَسْأَلَهُ قَالَ: عَلَيْهِ الْمَهْرُ وَوُجُوبُهُ عَلَى الرَّجَالِ وَلَمَا يَجِبُ عَلَى
الذَّكَاءِ أَنْ يُعْطِينَ أَزْوَاجَهُنَّ قَالَ لِأَنَّ عَلَى الرَّجَالِ مَثُونَةَ الْمَرْأَةِ لِأَنَّ الْمَرْأَةَ بَائِعَةٌ نَفْسَهَا وَالرَّجُلُ مَشْتَرٍ
«مُشْتَرٍ» وَلَا يَكُونُ الْبَيْعُ بِلَا ثَمَنِ وَلَا شِرَاءٌ بِغَيْرِ إِعْطَاءِ الثَّمَنِ مَعَ «أَنَّ» الذَّكَاءَ مَحْظُورَاتٌ عَنِ التَّعَامُلِ وَ
الْمُتَجَرِّعِ مَعَ عَلَلٍ كَثِيرَةٍ، (صدوق، ۱۳۹۸ش، ج ۲، ص ۹۴)؛

ترجمه: علت وجوب مهر بر مردان و عدم وجوب آن بر زنان از این جهت است که هزینه‌ی
زندگی زن، بر گردن مردان است، و نیز به جهت این است که زن در حقیقت خود را به مرد می‌فروشد
(عرضه می‌کند) و مرد خریدار آن (تمنای زن) است، و خرید و فروش بدون ثمن ممکن نمی‌باشد.
علاوه بر اینکه زنان به دلایل گوناگون از معاملات و داد و ستد ممنوع هستند».

در مقابل، در روایت آمده است که بخشش مهریه از ناحیه زوجه به زوج خیلی خوب است.
پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

«ثَلَاثٌ مِنَ الذَّكَاءِ يَرْفَعُ اللَّهُ عَنْهُنَّ عَذَابَ الْقَبْرِ وَ يَكُونُ مَحْشَرُهُنَّ مَعَ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ امْرَأَةٌ صَبَرَتْ عَلَى غَيْرَةِ زَوْجِهَا وَ امْرَأَةٌ صَبَرَتْ عَلَى سُوءِ خُلُقِ زَوْجِهَا وَ امْرَأَةٌ وَهَبَتْ صَدَاقَهَا
لِزَوْجِهَا يُعْطِي اللَّهُ تَعَالَى لِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ ثَوَابَ أَلْفِ شَهِيدٍ وَ يَكْتُبُ لِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ عِبَادَةً سَنَةً،
(دیلمی، ۱۳۹۶ش، ج ۱، ص ۱۷۵)؛

ترجمه: پیامبر اکرم (ص): سه طایفه از زنانند که خداوند ای‌شان را عذاب نکند و با حضرت
فاطمه (س) بنت محمد (ص) محشورشان فرماید و به هر یک از ای‌شان ثواب هزار شهید و ثواب
عبادت یک سال عنایت فرماید: زنی که بر غیرت شوهرش صبر کند، زنی که بر بداخلاقی شوهر صبر
نماید و زنی که مهریه خود را به شوهر ببخشد».

نتیجه‌گیری

در نظام حقوقی اسلام با استناد به آیات و روایات سقفی برای مهریه تعیین نشده و این زن و
شوهر هستند که میزان مهریه تعیین می‌کنند. اما در روایات و آرای فقها، به مهریه‌های سبک ترغیب

شده است. متأسفانه امروز مهریه های سنگین بخش اعظم پرونده های مالی در دعاوی بین زوجین را در دستگاه قضایی تشکیل می دهد. هر چند تعیین مهریه بر عهده زن و شوهر بوده و بر اساس عرف هر جامعه ای میزان آن تعیین می شود، ولی عواملی مثل نسیه بودن مهریه، روحیه مادی گرایانه، مهار طلاق و احساس کاذب ارتقاء منزلت زن، چشم و هم چشمی، کم تر شدن ارزش های اخلاقی و دینی از مهم ترین عوامل توجیه کننده مهریه سنگین است. بنابراین، نهادهای مهم و تأثیرگذار در اجتماع وظیفه دارند که با استفاده از ابزارهای فرهنگی کوشش کنند که افراد جامعه به سمت مهریه های سبک و ازدواج های آسان تشویق نمایند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. کتاب مقدس (تورات).
۳. ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۴. بارنز، اچ، ای، و اچ بکر، تاریخ اندیشه اجتماعی، ترجمه جواد یوسفیان و علی اصغر مجیدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۰ش.
۵. بروجرودی، حسین، جامع احادیث الشیعۀ، تهران، فرهنگ سبز، چاپ اول، ۱۳۹۵ش.
۶. جوادی آملی، عبدالله، زن در آئینه جلال و جمال، قم، اسراء، چاپ ششم، ۱۳۷۹ش.
۷. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، نهج الحق و کشف الصدق، بیروت، دارالکتاب اللبنانی، چاپ اول، ۱۹۸۲م.
۸. حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعۀ، تهران، دار زین العابدین، چاپ اول، ۱۳۹۸ش.
۹. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳ش.
۱۰. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، تهران، اقبال و فرانکلین، ۱۳۳۷ش.
۱۱. دیلمی، حسن بن ابی الحسن، إرشاد القلوب إلى الصواب، قم، اسلامی، چاپ هشتم، ۱۳۹۶ش.
۱۲. زحیلی، وهبه، الفقه الاسلامی و ادلته، تهران، احسان، چاپ سوم، ۱۳۸۵ش.

۱۳. صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، معانی الأخبار، قم، صادق، چاپ اول، ۱۳۹۶ش.
۱۴. _____، مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه، قم، صادق، چاپ اول، ۱۳۹۶ش.
۱۵. _____، عیون أخبار الرضا (ع)، قم، نبوغ، چاپ چهارم، ۱۳۹۸ش.
۱۶. صفایی، سیدحسین، حقوق خانواده، تهران، دانشگاه تهران، چاپ هفتم، ۱۳۹۶ش.
۱۷. علم الهدی، ابوالقاسم علی بن حسین، معروف به سیدمرتضی، الانتصار، قم، اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۳ش.
۱۸. کاتوزیان، ناصر، حقوق خانواده، تهران، مجد، ۱۳۷۶ش.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالحديث، چاپ چهارم، ۱۳۹۷ش.
۲۰. کوهن، آبراهام، گنجینه ای از تلمود، ترجمه امیر فریدون گرگانی، تهران، اساطیر، ۱۳۸۲ش.
۲۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، قم، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۹۶ش.
۲۲. محقق، محمدباقر، نمونه بینات در شأن نزول آیات از نظر شیخ طوسی و سایر مفسرین خاصه و عامه، قم، اندیشه اسلامی، ۱۳۸۴ش.
۲۳. محقق داماد، سید مصطفی، بررسی فقهی حقوق خانواده، قم، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ نوزده، ۱۳۹۷ش.
۲۴. محمدی ری شهری، محمد، منتخب میزان الحکمه، قم، دارالحديث، چاپ شانزدهم، ۱۳۹۸ش.
۲۵. مصطفوی ح سن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، قم، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، چاپ سوم، ۱۳۸۸ش.
۲۶. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، قم، صدرا، چاپ هفتاد و هشت، ۱۳۹۹ش.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دهم، ۱۳۷۱ش.
۲۸. مؤمنی، زینب، «بررسی فقهی حقوقی مهریه های نامتعارف از دیدگاه مذاهب اسلامی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۰ش، ص ۱۶-۴۰.

۲۹. النووی، محی الدین، یحیی بن شرف، منهاج الطالبین، تهران، کردستان، چاپ اول، ۱۳۹۴ش.

۳۰. پرتال جامع علوم اسلامی، به آدرس: www.ensani.ir

۳۱. پژوهشگاه علوم انسانی، پرتال جامع علوم اسلامی www.ensani.ir

۳۲. سایت تبیان، به آدرس: www.article.tebyan.net

